

تقریر مقدمه موصله از منظر مرحوم حائری:

مرحوم حائری در دُررالفوائد ابتدا اشاره می کنند که مقدمه موصله به ۴ معنی می تواند باشد.

«فاعلم ان مراده «قدّس سرّه» من المقدمة الموصلة إما ان يكون ما يترتب على وجودها ذوها اعني ما ينطبق عليه الموصل بالحمل الشائع، او يكون عنوان الموصل، و على الثاني إمّا ان يكون المراد هو الايصال الخارجي، او العنوان المنتزع منه، و على الاول من هذه الاحتمالات إمّا ان يكون المراد ما يترتب عليه ذو المقدمة على وجه يكون هو المؤثر فيه، او يكون اعم من ذلك، و الفرق بينهما انه على الاول ينحصر في العلة التامة، و على الثاني يعم العلة و ما يلازمها وجوداً.»^۱

توضیح:

۱. مراد از مقدمه موصله یا عبارت است از آن وجود خارجی مقدمه که ذی المقدمه بر آن مترتب می شود
۲. یا عبارت است از: عنوان «الموصل»
۳. اگر مراد عنوان است، یا مراد عنوان «الموصل الخارجي» است و یا مراد عنوان «الموصل» است که از وجود خارجی انتزاع می شود.
۴. ولی اگر مراد وجود خارجی است:
۵. یا مراد آن وجودی است که علّت تامّه ذی المقدمه است و یا مراد اعم از علّت تامّه است (اگر چه ملازم با علّت تامّه باشد)

ما می گوئیم:

۱. ما حاصل فرمایش ایشان آن است که وقتی می گوئیم مقدمه موصله واجب است یا مثل بقیه واجب ها، وجوب را روی عنوان (الموصل) برده ایم (مثلاً اگر می گوئیم نماز واجب است وجوب روی طبیعت نماز رفته است و آنچه واقع می شود مصداق است) و یا می گوئیم وجوب روی عنوان رفته است بلکه مستقیماً ایصال خارجی واجب شده است.

۱. دررالفوائد (طبع جدید)، ص ۱۱۴.



[این بحث اشاره به بحثی در علم اصول دارد که آیا متعلق امر عبارت است از طبیعت یا عبارت است از فرد خارجی؛

توجه شود که ممکن است مراد ایشان فرد خارجی ایصال باشد و نه فرد خارجی مقدمه، ولی روشن است که اگر فرد خارجی ایصال را همراه با عنوان مقدمه در کنار هم لحاظ کردیم، فرد خارجی ساخته می شود، چراکه تشخّص حاصل از فرد خارجی، کلیت مقدمه را زائل می کند.]

۲. اما اگر وجوب روی شخص خارجی رفته است (یعنی شارع گفته «این فرد از وضوی موصل را به جای آور) باز دو حالت دارد: گاهی شخص خارجی که علّت تامّه است، مراد است و گاهی شخص خارجی که اعم از علّت تامّه و ملازم با آن است مراد است (ملازم = عدم المانع، شرط، مقتضی)

۳. اما اگر وجوب روی عنوان رفته است (یعنی شارع گفته طبیعت وضوی موصل را به جای آورد) گاهی روی نفس عنوان (الموصل) رفته است (یعنی الموصل قید است) و گاهی روی نفس عنوان الموصل نرفته است، بلکه وجوب روی عنوان وضو رفته اما تقید به «موصل» در این عنوان اخذ شده است و لذا عنوان موصل از این تقیّد انتزاع می شود.

مرحوم حائری سپس همین قسمت دوّم (اینکه حکم روی عنوان رفته باشد) را به ۴ قسم تقسیم می کند:

«و ان كان مراده الثانی اعنی كون القید عنوان الایصال فقد عرفت ان فی هذا احتمالین: احدهما كون

القید هو الایصال الخارجی، و الثانی العنوان المنتزع منه ای كونها بحیث توصل الی ذی المقدمه، و

علی ای تقدیر إمّا ان یکون القید راجعا الی الطلب او یکون راجعا الی المطلوب، فهذه اربعة احتمالات:

احدها: ان یکون المراد الایصال الانتزاعی و یکون القید راجعا الی الطلب.

و الثانی: هذا الفرض لکن یکون القید راجعا الی المطلوب.

و الثالث: ان یکون المراد هو الایصال الخارجی و یکون القید راجعا الی الطلب.

و الرابع: هذا الفرض و یکون القید راجعا الی المطلوب.»^۱

توضیح:

۱. در الفوائد (طبع جدید)، ص ۱۱۴.



۱. رجوع قید به طلب یعنی ایصال شرط وجوب باشد، و رجوع قید به مطلوب یعنی ایصال شرط واجب باشد.

۲. پس کلیت تقسیم چنین می شود:

